



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**تربیت سیاسی کارگزاران
در سیره و کلام امام علی (ع)**

حجة الإسلام محمد احسانی
(کارشناس ارشد تاریخ فلسفه آموزش و پرورش)

مقدمه

بی تردید یکی از مسایل مهم و درخور توجه هر نظام سیاسی، چگونگی عملکرد کارگزاران آن نظام است؛ به گونه‌ای که رفتار درست و سنجیده آنان در استحکام پایه‌های نظام، نقشی شایسته دارد؛ و این کار جز با تربیت سیاسی کارگزاران در دو بعد «شناخت» و «عمل» حاصل نمی‌شود. مدیران و کارگزارانی می‌توانند در جهت تحقق اهداف حکومت اسلامی گام بردارند و زمینه رشد و پیشرفت همه جانبه جامعه را فراهم سازند که ضمن داشتن تخصص کافی، بر اساس اندیشه‌ها و آموزه‌های دینی عمل نمایند. تربیت چنین نیروهایی، مستلزم سرمایه‌گذاری جدی و برنامه‌ریزی دقیق در این زمینه است.

امام علی علیه السلام در دوره حکومت چند ساله خود و حتی قبل از آن، به این مهم توجه جدی داشت و افرادی را، در دو بُعد شناخت و عمل، آن‌گونه تربیت کرد که در اداره امور جامعه، جز رضای خدا و خدمت به مردم به چیزی نمی‌اندیشیدند. یاران صدیق و باوفای علی علیه السلام عابدانی بودند در نهایت خضوع و اخلاص و بندگی، مجاهدانی خستگی‌ناپذیر و مدیرانی بسیار جدی و دقیق و در مورد بیت‌المال سخت‌گیر و پارسا. سیره حضرت علی علیه السلام و یاران صدیق ایشان گواه روشن این مدعا است.

نهج‌البلاغه که بخشی از سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، ضمن بیان معیارهای اخلاقی، روش‌های عملی فراوانی را درباره تربیت افراد و تقویت پایه‌های فضایل اخلاقی آنان ارائه می‌دهد. نامه‌ها و فرمان‌های حکومتی علی علیه السلام به زمام‌داران، حاکی از اهتمام آن حضرت به تربیت سیاسی و اخلاقی کارگزاران است. به خصوص عهدنامه امام به «مالک اشتر نخعی»، برنامه مدوئی از نظام اسلامی در همه ابعاد است، که به کارگیری آن در تربیت سیاسی و اخلاقی

کارگزاران حکومتی ضروری است؛ چرا که در این عهدنامه، سیاست توأم با دین و اخلاق ارایه شده است و این امر در تربیت و اصلاح زمامداران بسیار مؤثر است و در واقع به منزله قانون اساسی نظام اسلامی است.

این مقاله تلاشی برای ترسیم تربیت سیاسی کارگزاران حکومتی از منظر امام علی علیه السلام است. در این نوشتار، مفهوم، اهمیت، هدف و قلمرو تربیت سیاسی، رابطه تربیت و سیاست، نقش تربیت در سیاست، انواع، عوامل و روش‌های تربیت سیاسی و نیز ویژگی‌های کارگزاران در نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم تربیت سیاسی

هرچند هنوز تعریف جامع و مانعی از «تربیت» و «سیاست» و نیز «تربیت سیاسی» عرضه نشده و انجام این کار تا اندازه‌ای دشوار به نظر می‌رسد، با مراجعه به لغت نامه‌ها و تعاریف مختلفی که برای واژگان تربیت و سیاست شده است، می‌توان تا حدودی مفهوم «تربیت سیاسی» را به دست آورد. واژه «تربیت»، در لغت به معنای «پروراندن» یا «پرورش دادن و بار آوردن» آمده است، (لغت‌نامه دهخدا، ماده تربیت)، که به مفهوم به فعلیت رسانیدن استعدادهاى بالقوه مترقی است. در «اصطلاح» نیز تعاریف متعددی از تربیت شده است که همگی بر این امر که تربیت فرآیندی است در جهت تغییر رفتار فرد و کسب هنجارهای مورد قبول جامعه تأکید دارند.

واژه «سیاست» هم در لغت به معنای «اصلاح امور خلق»، «اداره کردن و حکم راندن بر رعیت» یا «ریاست نمودن» به کار رفته است (فرهنگ‌معین؛ غیث‌اللغة؛ دهخدا، واژه سیاست) و در اصطلاح، بر اساس اختلاف دید صاحب نظران سیاسی، تعریف‌های گوناگونی از آن عرضه شده است. با این حال، همه تعریف‌ها در این جهت وجه اشتراک دارند که منظور از سیاست، مدیریت و تدبیر امور جامعه در مسیر زندگی معقول، همراه با عزت و رفاه عمومی است.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت تربیت سیاسی به مفهوم شکوفاسازی استعدادهای مدیریتی و سیاسی فرد، همراه با پرورش ارزش‌های دینی و فرآیندی فراگیر و عمومی است که به منظور تربیت شهروندان مسئول و وظیفه‌شناس و پرورش کارگزاران کاردان و شایسته در اداره امور جامعه، به تدریج اجرا می‌شود.

این مفهوم تربیت سیاسی، از مجموع فرمان‌ها و دستورالعمل‌های سیاسی و اخلاقی مندرج در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، برای تربیت عموم مردم به خصوص کارگزاران حکومتی عرضه شده است؛ به ویژه‌نامه امام علی علیه السلام به «مالک اشتر»، حاوی پیام‌های تربیتی فراوانی است که در جهت اصلاح امور جامعه و تأمین نیازهای عمومی و رفاه اجتماعی و نیز تقویت جنبه‌های دینی و اخلاقی مردم صادر شده است.

اهمیت تربیت سیاسی

تربیت سیاسی مهم‌ترین نوع تربیت است که در تحقق اهداف مادی و معنوی جامعه نقش اساسی دارد. بی تردید هر ملت و نظامی، بر اساس اصول و معیارهای مورد قبول خود، هدف‌هایی را تعقیب می‌کند و برای دستیابی به آن‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌هایی دارد که آشنایی مردم با آن‌ها مهم است. تربیت سیاسی، ضمن پرورش شهروندان و وظیفه شناس و متعهد، آن‌ها را با معیارها و هدف‌های نظام سیاسی هم آشنا می‌سازد. تربیت سیاسی، برای جوانان و نوجوانان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا آن‌ها سیاست‌مداران و کارگزاران آینده هستند.

تربیت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی، از اولویت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا اولاً با توجه به قشر عظیم جوان و نوجوان جامعه و پایین بودن سن قانونی رأی دهندگان، آرای نسل جوان نقش مهمی در تعیین مسئولین اجرایی و قانون‌گذار کشور و به تبع آن سیاست‌های کلی نظام دارد؛ ثانیاً جمهوری اسلامی ایران، بیش از هر کشوری در معرض تهاجم فرهنگی قرار دارد. از این رو، وظیفه همه ملت به‌خصوص نسل جوان است که با اطلاع کامل از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، در برابر ترفندهای بیگانگان بایستند و از نظام مقدس اسلامی دفاع کنند. این‌گونه اطلاعات و آگاهی‌ها را، می‌توان از طریق تربیت سیاسی فراگیر، بر اساس مبانی دینی و اخلاقی و متناسب با نیازهای جامعه، به نسل جوان ارایه داد.

متأسفانه تربیت سیاسی در کشور ما، آن‌طور که شایسته است، مورد توجه نیست و اجرا نمی‌شود. لازم است مسئولین نظام آموزشی کشور، به این امر مهم توجه نموده و شرایط لازم را برای تربیت سیاسی نیروهای کاردان و شایسته فراهم نمایند تا افراد مناسبی برای اداره جامعه تربیت شوند. توجه نکردن به تربیت سیاسی نسل جوان، دو پیامد منفی دارد: یکی بی‌اعتنایی جوانان نسبت به سرنوشت کشور و دیگری آسیب‌پذیری آنان در برابر تهاجم فرهنگی و تبلیغات بیگانگان که ممکن است به فریب و آلت دست دشمنان قرار گرفتن آن‌ها بیانجامد (همان، ۱۷۷، ش ۴، صص ۳۶-۳۲).

هدف تربیت سیاسی

هدف تربیت سیاسی، بر اساس مکتب‌ها و نظریه‌های مختلف سیاسی متفاوت است. هر مکتب سیاسی، بر اساس اصول و مبانی نظری خود، هدف‌های خاصی را در تربیت سیاسی دنبال می‌کند. مکتب اسلام که حکومت را به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد و به همه ابعاد زندگی دنیا و آخرت ایشان نظر دارد، از زاویه خاصی به تربیت سیاسی نگاه می‌کند و اهداف مخصوصی را تعقیب می‌کند (فخرالدین حجازی، ص ۱۰۰).

هدف از برقراری حکومت در اسلام، اجرای احکام الهی و تأمین نیازهای مادی و معنوی جامعه است. از این رو، تربیت سیاسی هم درست در همین راستا انجام می‌شود. تربیت سیاسی

از منظر اسلام، نخست به تربیت شهروندان آگاه و متعهد و با مسئولیت توجه دارد؛ آن گونه که در قبال مسایل سیاسی و اجتماعی بی توجه نباشند و احساس وظیفه کنند و سپس به تربیت کارگزاران در دو بُعد علم و عمل اهمیت می‌دهد؛ چرا که کارگزار و مدیر کارآمد، به علم و عمل نیازمند است تا بتواند ضمن برخورد مناسب با مردم، با روش‌های علمی به انجام کارها بپردازد. تلفیق علم و عمل، یعنی دانش و تقوا، در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام از شروط لازم مدیریت و زمام‌داری است؛ زیرا از منظر ایشان، مدیر و حاکم ناآگاه و بی تقوا، جامعه را به فساد و گمراهی می‌کشاند. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «نباید نادان بر ناموس و جان و مال مسلمانان حاکم شود، چرا که آن‌ها را به گمراهی می‌برد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). در جای دیگر چنین می‌فرماید: «حکومت و اداره جامعه بر اساس تقوا و پرهیزگاری، نه به کسی آسیب می‌رساند و نه کشتزار قومی را از بین می‌برد» زیرا «تقوا چون دژی استوار است» که انسان را از گناه و سرکشی باز می‌دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹). بنابراین می‌توان گفت که هدف تربیت سیاسی در اسلام و نهج البلاغه، تربیت عموم مردم به خصوص نسل جوان، بر اساس معیارها و اصول اخلاق اسلامی است. هرگاه زمام‌دار و کارگزار نظام اسلامی در هر مقامی، از ویژگی‌های دینی و اخلاقی مورد قبول اسلام برخوردار باشد، یقیناً در راه خدا و قرآن قدم برمی‌دارد و از ارزش‌های اسلامی دفاع می‌کند. به عبارت دیگر، هدف، تربیت شهروندانی است که وظایف سیاسی و دینی خود را بشناسند و به آن پای بند باشند، و تربیت کارگزارانی که مهارت تدبیر امور جامعه را بر اساس آموزه‌های دین اسلام کسب کرده و آن‌ها را اجرا کنند. اهداف تربیت سیاسی متعدد است؛ ولی در این مقاله تنها به تربیت کارگزاران که موضوع اصلی است، توجه شده و روش‌های تربیت سیاسی و ویژگی‌های زمام‌داران در کلام و فرمان‌های حکومتی امام علی علیه السلام بررسی می‌شود.

قلمرو تربیت سیاسی

تعیین دقیق قلمرو تربیت سیاسی و حوزه‌های آن بسیار مشکل است و نمی‌توان مرزهای آن را کاملاً مشخص کرد؛ زیرا همه جنبه‌های زندگی انسان، اعم از فردی و اجتماعی، با تربیت و سیاست مرتبط است. با وجود این، شناخت مرزهای تربیت سیاسی به شناخت حوزه‌های تربیت و سیاست بستگی دارد و وجه مشترک آن دو، قلمرو تربیت سیاسی را تشکیل می‌دهد. تربیت دارای حوزه‌های وسیعی است که سراسر زندگی انسان را در برمی‌گیرد و از طرفی زندگی بشر با سیاست عجین است؛ پس تربیت و سیاست همه افراد و گروه‌ها و طبقات مختلف را فرا می‌گیرد و مردم، چه بخواهند و چه نخواهند، تحت تأثیر آن دو هستند (جمالی ۱۳۷۸، ص ۱۷). سیاست به هر مفهومی که باشد، یکی از حوزه‌های مهم آن، مدیریت و اداره جامعه است که در جهت خیر و صلاح مردم صورت می‌گیرد و تربیت سیاسی به مفهومی که گفته شد،

در همین قلمرو قابل اجراست.

بنابراین، تربیت در حوزه سیاست قرار می‌گیرد و قلمرو آن محدود به دامنه رفتار سیاسی است. اگر رفتار سیاسی را با هرگونه فعالیت سیاسی برابر بدانیم، قلمرو تربیت سیاسی گسترش می‌یابد (فرهنگ علوم سیاسی)؛ چرا که شامل همه حرکت‌های سیاسی موجود در جامعه می‌شود؛ ولی اگر دامنه رفتار سیاسی را به رفتار سیاست‌گزاران حاکم بر جامعه محدود کنیم، قلمرو تربیت سیاسی نیز به همان اندازه محدود می‌شود.

آنچه از گفتار علی علیه السلام در نهج‌البلاغه بر می‌آید، معنای اول را تأیید می‌کند که بر همه رفتارهای سیاسی اطلاق می‌شود و منظور آن، تربیت عموم مردم است. سخنان حضرت علی علیه السلام، اغلب با خطاب‌های عام مانند «ایها الناس» و «عبادالله» آغاز شده است که همه مردم را در بر می‌گیرد؛ اما فرمان‌های سیاسی نهج‌البلاغه، در قالب نامه‌های آن حضرت، بیش‌تر متوجه کارگزاران و مدیران است که منصوبان و نمایندگان ایشان بوده‌اند. بنابراین، قلمرو تربیت سیاسی از منظر کلام و سیره امام علی علیه السلام با اهتمام به تربیت کارگزاران، همه مردم را شامل می‌شود و باید برای رشد فکری و کارآیی آنان به صورت فراگیر اجرا شود. همان‌طور که امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به منظور اجرای فرآیند تربیت سیاسی، به «مالک اشتر» فرمان می‌دهد که نباید افراد نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان باشند و از امتیازات مساوی برخوردار گردند، وگرنه این کار اهل احسان را از نیکوکاری‌شان باز می‌دارد و بدکاران را جری می‌کند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

رابطه تربیت و سیاست

بی‌تردید تربیت و سیاست، دو فرآیند مستقل و جدا از هم‌اند که هرکدام دارای اصول و روش‌های خاص خود هستند. این دو، گاه با هم ارتباط متقابل دارند که نوع رابطه آن‌ها باید مشخص شود؛ یعنی این که چه نسبتی میان تربیت و سیاست وجود دارد. با توجه به جنبه‌های مختلف، تربیت، از یک جهت نسبت به سیاست عمومیت پیدا می‌کند؛ چون تربیت به معنای شکوفا سازی همه توانایی‌های سیاسی و غیر سیاسی فرد است، ولی سیاست به توان سیاسی فرد اختصاص دارد؛ و از سوی دیگر، فرآیند سیاست اعم از تربیت است؛ زیرا عرصه‌هایی فراتر از قلمرو تربیت، مثل عرصه بین‌الملل را نیز در بر می‌گیرد. نقطه اشتراک این دو، تربیت سیاسی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، نسبت تربیت و سیاست «عموم و خصوص من وجه» است و در بسیاری از موارد با هم رابطه متقابل دارند و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. عوامل تربیت که موجب شکوفایی استعدادها فرد است، توان سیاسی او را نیز به فعلیت رسانده و افزایش می‌دهد؛ مثلاً، محیط خانوادگی و اجتماعی، چگونگی رفتار سیاسی و نگرش اجتماعی فرد را شکل می‌دهد و در مقابل، نظام حاکم بر جامعه، برنامه‌های آموزشی و تربیتی را تعیین می‌کند.

نقش تربیت در رفتار سیاسی

ممکن است این سؤال در ذهن خطور کند که تربیت چه نقشی می‌تواند در سیاست و رفتار سیاسی داشته باشد؟ همان‌گونه که گفته شد، تربیت و سیاست با یکدیگر رابطه متقابل دارند و در بسیاری از موارد از همدیگر تأثیر می‌پذیرند؛ اما از آن‌جا که سیاست در قالب رفتارهای سیاسی در جامعه نمود پیدا می‌کند و تربیت هم برای تغییر و اصلاح رفتار است، تربیت می‌تواند در بهبود رفتارهای سیاسی نقش اساسی ایفا کند؛ چنان‌که امروزه رهبران سیاسی و کارگزاران جوامع مختلف، خواه ناخواه از تربیت خاص برخوردارند و بر اساس اندیشه‌های دینی و سیاسی مشخص، رفتار می‌کنند (عمیدزنجانی، ص ۵۶).

همه ادیان الهی، به خصوص دین اسلام بر تربیت اخلاقی و سیاسی کارگزاران تأکید دارند؛ چراکه قدرت و سیاست به عنوان دو ابزار حساس در اختیار آن‌هاست و اگر در اجرای آن دقت نشود و سیاست‌گزاران از اوصاف اخلاقی و تربیتی مطلوب برخوردار نباشند، این مسئله پیامدهای ناگواری خواهد داشت (جمالی، ص ۱۷۱). از نظر اسلام، سیاست با فضایل اخلاقی و ارزش‌های دینی عجین است و زمام‌داران مسلمان باید در اجرای آن به ارزش‌های دینی توجه بیش‌تری داشته باشند. نظام اسلامی به نیروهایی نیاز دارند که مؤمن و با تقوا باشند و زیرکی لازم را نیز برای اجرای برنامه دینی و اجتماعی داشته باشند. تأمین چنین نیروهایی، مستلزم تربیت درست افراد در حوزه‌های دینی، اخلاقی و سیاسی است (حسینی ۱۳۶۷، صص ۱۴ و ۱۵). رفتار امام علی علیه السلام در حکومت کوتاه آن حضرت، نشان دهنده تربیت کارگزاران سیاسی و اسلامی فراوانی است که از قبل در کنار حضرت بودند و پس از احراز خلافت، به اداره جامعه پرداختند. «مالک اشتر»، «محمد بن ابی‌بکر»، «سلمان فارسی» و امثال ایشان، از چهره‌های شاخص کارگزاران آن حضرت بودند که در خدمت ایشان انجام وظیفه می‌کردند. آنان با احراز مقام‌های بالای سیاسی و اجرایی، جز به اسلام و قرآن و انجام وظایف اسلامی نمی‌اندیشیدند. با این حال، امام علی علیه السلام همواره دستورهای لازم را در زمینه اجرای احکام اسلامی و مسایل تربیتی به آنان گوشزد می‌کرد. از این رو، نخستین دستور امیرالمؤمنین علی علیه السلام به «مالک» و «محمد بن ابی‌بکر» هنگام اعزام آنان به مصر، رعایت تقواست. امام علیه السلام «محمد بن ابی‌بکر» را به تقوای الهی در نهان و آشکار و به ترس از خدا در کارهای پنهان و کرده‌های آشکارش فرمان می‌دهد (نهج‌البلاغه، نامه ۳۳).

تربیت نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار سیاسی کارگزاران حکومتی دارد و به همین دلیل، سیاست‌های دینی و ضدّ دینی در جامعه پدید می‌آید. در حقیقت مکتب‌های سیاسی جهان، محصول اندیشه‌هایی است که در اثر آموزش‌ها و تربیت‌های مختلف افراد به وجود آمده است. امروزه نیز تربیت سیاسی با روش‌هایی پیچیده‌تر از گذشته، در کشورهای جهان، به خصوص

جوامع غربی اجرا می‌شود. ضرورت این امر در کشورهای اسلامی، با توجه به شرایط ویژه ما در جهان، بیش از پیش نمودار شده است.

انواع تربیت سیاسی

تربیت، فرآیندی است که به منظور اهداف خاصی انجام می‌گیرد و مربی انتظارات ویژه‌ای از متربیان دارد. تربیت سیاسی، با وجود اهمیت فراوان، بر اساس نظام فکری و سیاسی برنامه ریزان و مجریان، متفاوت است. تعدد مکتب‌های سیاسی موجود در جهان، با اختلاف‌های عمیق در محتوا و روش، دلیل این مدعا است. طبعاً چنین مکتب‌هایی، هرکدام تربیت خاصی خواهند داشت.

از آن‌چه در دنیای سیاست می‌گذرد و در اعمال و رفتار سیاست‌مداران مشاهده می‌شود، این نتیجه به دست می‌آید که سیاست و به تبع آن تربیت سیاسی، به طور کلی به دو نوع تقسیم می‌شود: یکی، سیاست شیطنانی که تربیت شیطنانی در پی دارد و دیگر، سیاست الهی که تربیت الهی و توحیدی دارد (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۹۸).

در سیاست شیطنانی، نیرنگ و فریب و رسیدن به قدرت از هر راه و با هر وسیله ممکن است. بنیانگذار این سیاست، فردی به نام «ماکیاولی» است. او همزمان با رنسانس مبانی فکری و نظری این نوع سیاست را پایه‌گذاری کرد و اولین کسی بود که در غرب، درباره سیاست به عنوان مسئولیت عمومی اظهار نظر کرد (پهلوان ۱۳۷۶، ص ۲۰۱). به نظر وی، سیاست نمی‌تواند با معیارهای دینی و اخلاقی توأم باشد. این نظریه، مبنای سیاست جهان معاصر غرب را تشکیل می‌دهد. این تفکر به تدریج به جدایی سیاست از دین منجر شد. در این نوع سیاست، کارگزاران سیاسی فقط به تأمین نیازهای مادی توجه دارند و نسبت به ارزش‌های دینی بی‌اعتنا هستند.

سیاست الهی با الهام از وحی و کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به اجرای احکام خدا، عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای جامعه نظر دارد و به این منظور، کارگزاران مناسبی را با اوصاف دینی و اخلاقی پرورش می‌دهد. سیاست‌گزاران توحیدی، نخست اولیای خدا و رهبران الهی، یعنی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام هستند که سیاست‌مداری و کیاست از ویژگی‌های شاخص ایشان است؛ چنان‌که در بعضی احادیث و ادعیه، معصومان علیهم السلام «ساسة العباد» خوانده شده‌اند (زیارت جامعه کبیره). پس، تربیت یافتگان مکتب انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام، عهده‌دار برنامه‌ریزی و اجرای سیاست توحیدی هستند.

عوامل مؤثر در تربیت سیاسی

تربیت سیاسی به لحاظ آن‌که یکی از شاخه‌های تربیت به معنای عام است، تحت تأثیر عوامل مؤثر بر تربیت قرار می‌گیرد. منظور از عامل تربیت سیاسی، عناصری است که در نگرش، اندیشه، رفتار سیاسی فرد تأثیر می‌گذارد و در نتیجه مشی سیاسی او را تعیین می‌کند. با تأمل در

سیره و کلام امام علی علیه السلام، عوامل متعددی در زمینه تربیت سیاسی کارگزاران قابل شناخت و دستیابی است. گفتار آن حضرت در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، به‌خوبی این مطلب را بیان می‌کند. از آن‌جا که بررسی همه عوامل تربیت سیاسی موجود در نهج البلاغه، در یک مقاله نمی‌گنجد، در ادامه تنها به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دین و ایمان به خدا

از سیره و گفتار امام علی علیه السلام با اصحاب و یارانش برمی‌آید که دین و ایمان، مهم‌ترین عامل تربیت انسان است. دین و برنامه‌های عملی آن، از جهات مختلف بر شکل‌گیری شخصیت و نوع افکار و رفتار فرد تأثیر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که برنامه‌های زندگی انسان برگرفته از دین و الگوهای دینی است. اندیشه‌های دینی، ضمن تأثیر بر رفتار فردی و خانوادگی، گرایش‌های سیاسی - اجتماعی فرد را نیز هدایت می‌کند. امروزه بسیاری از کشورهای جهان در شرق و غرب، سیاست‌های کلی خود را بر اساس سوابق دینی تعیین می‌کنند.

دین در مهار کنترل قدرت و جلوگیری از فساد سیاسی و اداری نقش مهمی دارد. امام علی علیه السلام بارها کارگزاران حکومت را به تبعیت از دین و اجرای احکام الهی دعوت نموده است: «پس آن [دین اسلام] را محترم و بزرگ داشته و از آن پیروی کنید و حق آن را ادا نمایید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸). هم‌چنین آن حضرت در جای دیگر، ایشان را به شدت از استفاده نامناسب از دین و پیامدهای زیان‌بار آن برحذر می‌دارد و در این مورد می‌فرماید: «پس تو [ای عمرو عاص] دین خود را تابع دنیای کسی [معاویه] قرار دادی که گمراهی او آشکار و پرده او دریده است و تو دنبال چنین فردی رفتی و بخشش او را خواستی! پس دنیا و آخرت خود را به باد دادی و اگر به حق رو می‌آوردی، آن چه [از دنیا و آخرت] می‌خواستی به آن می‌رسیدی» (همان، نامه ۳۹).

امام علی علیه السلام در نامه‌های سیاسی به مدیران موافق و مخالف، همواره پیروی از دین را عامل مؤثر در سعادت انسان دانسته و ضررهای ناشی از دین‌گریزی را یادآور می‌شد.

دین در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان نقش اساسی دارد و پیروی از دستورات دینی، اخلاق و رفتار فرد را اصلاح می‌کند. ایمان به خدا و یاد او، همواره انسان را از اضطراب و نگرانی‌های گذشته و آینده نگاه‌داشته و استوار و ثابت قدم می‌دارد. خداوند آرامش خاطر را فقط با یاد خودش قابل حصول می‌داند و می‌فرماید: «آگاه باش! فقط با یاد و ذکر خدا قلب‌ها آرامش می‌یابد (رعد، ۲۸). علی علیه السلام درباره نقش ایمان به خدا و اصول اعتقادی می‌فرماید: «راه ایمان روشن‌ترین راه است و درخشنده‌تر از چراغ می‌باشد [که رونده در آن هرگز گم نمی‌شود]، پس به‌وسیله ایمان و اعتقاد به خدا، می‌توان بر انجام کارهای نیک هدایت شد و آن‌ها را با میل و رغبت انجام داد (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶). خداوند دین را راه مستقیم خود معرفی نموده و می‌فرماید: «این [دین] راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده و انحرافی

تبعیت نکنید که شما را از راه حق دور می‌سازد» (انعام، ۱۵۳).

مهم‌ترین نقش تربیتی دین و ایمان، اصلاح رفتار و اخلاق فردی و اجتماعی است که در مورد رفتارهای سیاسی نیز مؤثر است. کارگزاران متدین و آراسته به اخلاق اسلامی، در اجرای حق و عدالت در جامعه، کارآمدتر از دیگر مصلحان اجتماعی هستند. یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در پیشرفت اسلام نقش مهمی داشت، اخلاق و رفتار نیکوی آن حضرت بود که در قرآن کریم از آن به «خلق عظیم» تعبیر شده است (قلم، ۴). پیامبر نیز خود می‌فرمود: «من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را به حد کمال رسانیده، مردم را به اخلاق نیکو دعوت کنم (المیزان "ترجمه"، ج ۱۹، ص ۶۳۱).

بنابراین، از آثار مهم تربیتی دین، اصلاح رفتار مردم، به ویژه رفتار سیاسی کارگزاران حکومتی است. اگر سیاستمداران جامعه از تدین و اخلاق اسلامی مطلوب برخوردار باشند، مشکلات اجتماعی چندانی وجود نخواهد داشت. بسیاری از بحران‌های کنونی در جوامع اسلامی، ناشی از بی‌دینی یا بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های دینی و مذهبی است. فرمان‌های حکومتی امام علی علیه السلام به زمامداران، تأکید فراوان بر رعایت تقوا، تدین و عمل به احکام خدا دارد؛ به گونه‌ای که امروزه اگر کارگزاران سیاسی به آن عمل کنند، به اهداف دینی و اسلامی خود خواهند رسید. محتوای فرمان‌های امام علی علیه السلام پس از گذشت قرن‌ها، برای مدیران و کارگزاران امروزی، مطالب قابل توجهی دارد که باید مورد استفاده آنان قرار گیرد.

۲. خانواده

عامل مؤثر دیگر در تربیت سیاسی، که از نظر تعلیم و تربیت هم بسیار مهم است، خانواده است. خانواده نخستین جایی است که کودک در آن قدم می‌گذارد و با محیط پیرامون خود آشنا می‌شود. در واقع، شخصیت انسان، در محیط خانواده شکل می‌گیرد و از افکار و نگرش‌های اطرافیان تأثیر می‌پذیرد. اندیشه‌های سیاسی فرد، بیش از همه، برآیند تفکرات موجود در محیط خانه است. نگرش‌ها، جهت‌گیری‌ها و حبّ و بغض‌های اعضای خانواده، به‌خصوص پدر و مادر، خواه ناخواه بر نظام فکری فرزند اثر می‌گذارد.

در نهج‌البلاغه نمونه‌های فراوانی آمده است که امام علی علیه السلام به نقش خانواده در تربیت سیاسی فرد توجه کرده است. آن حضرت در نامه‌ای به «معاویه»، به سوابق خانوادگی وی اشاره کرده، بی‌لیاقتی او را در امر زمامداری یادآور می‌شود: «ای معاویه! شما [بنی‌امیه] کی لیاقت حکمرانی بر رعیت و شایستگی زمامداری مسلمین را داشتید؛ بدون سابقه نیک و بدون داشتن وصف بزرگواری و ارجمندی در میان مردم» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۰)؛ یعنی، «بنی‌امیه» بدون هیچ‌گونه برتری خانوادگی و سابقه درخشان، ادعای خلافت می‌کنند و شایسته آن نیستند. هم‌چنین امام علی علیه السلام ضمن نامه‌ای خطاب به یکی از کارگزارانش که دچار خطا شده بود، به حسن

خانوادگی وی اشاره می‌کند که موجب شده است بر اساس آن، او را به کار بگمارد: «نیکی پدرت من را فریب داد و گمان کردم که تو هم از روش پدرت پیروی می‌کنی و به راه او حرکت می‌کنی. پس ناگاه به من خبر رسید که خیانت کرده و از سیره پدرت و خانواده‌ات عدول کرده‌ای» (همان، نامه ۷۱). علی علیه السلام درباره برتری و انتساب خود به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اینکه در کودکی همیشه در کنار آن حضرت بوده و از اخلاق و توصیه‌های تربیتی ایشان کاملاً پیروی نموده است، سخن می‌گوید. فرازهای پایانی «خطبه قاصعه»، ویژگی‌های تربیتی علی علیه السلام را که از پیامبر آموخته است بیان می‌کند. در این فرازها، علی علیه السلام نحوه زندگی‌اش را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و آموزه‌های اخلاقی و رفتاری که از آن حضرت فرا گرفته است، توصیف می‌کند و آن‌ها را فضیلت و برتری برای خویش ذکر می‌کند. در واقع شخصیت علی علیه السلام محصول تربیت و الطاف کریمانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در دوره کودکی از آن بهره‌مند بوده است.

۳. ارزش‌های مورد قبول جامعه

از دیگر عواملی که خواه ناخواه بر گرایش‌های سیاسی فرد تأثیر می‌گذارد، سنت‌ها و ارزش‌های مورد قبول جامعه است. تجربه نشان داده است که سیاست‌مداران تحت تأثیر فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه قرار می‌گیرند، و حتی اگر بناست شخصیت علمی و سیاسی شخصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، ناگزیر باید به شرایط زیست محیطی او توجه شود؛ وگرنه نتیجه به دست آمده، کامل نخواهد بود. ارزش‌های مورد قبول جامعه، بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های زمام‌داران تأثیر گذار است و برنامه‌ریزان سیاسی - اجتماعی بدون در نظر گرفتن آن، نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند. به علاوه، عمل به سنت‌ها و ارزش‌ها، عامل وحدت و یکپارچگی ملت است و چه بسا نادیده گرفتن ارزش‌های جامعه، به اختلافات اجتماعی منجر شود.

امام علی علیه السلام در نامه به «مالک اشتر»، به نقش سنت‌های اجتماعی اشاره می‌کند و وی را از نادیده گرفتن آن‌ها برحذر داشته، می‌فرماید: «هرگز سنت نیکویی را که پیشتازان به آن عمل نموده‌اند مشکن. آن سنتی که موجب انس و الفت بین مردم گردیده و ملت بر اساس آن به زندگی شایسته‌ای دست یافته است» (همان، نامه ۵۳).

از این فرمان علی علیه السلام، برمی‌آید که سنت‌ها و ارزش‌های مورد پذیرش جامعه که مردم به آن عمل کرده‌اند، در صورتی که با گزاره‌های دین در تضاد نباشد، باید حفظ شود؛ چرا که وجود چنین سنت‌هایی، محور وحدت امت است. امروزه، عمل به ارزش‌ها و سنت‌های دینی از چنین ویژگی‌ای برخوردار است و حفظ آن‌ها موجب وحدت و استقلال و آزادی است. جوامعی که به ارزش‌های دینی اهمیت نمی‌دهند، گرفتار مشکلات فراوان اجتماعی و تفرقه و پراکندگی هستند و قدرت‌های خارجی بر آن‌ها مسلط‌اند؛ پس سنت‌ها و ارزش‌های اجتماعی نیز در تربیت و

نگرش‌های سیاسی مؤثر هستند.

روش‌های تربیت سیاسی

روش‌های تربیت و چگونگی پرورش افراد، از مباحث مهم تربیتی است و باید مورد بررسی قرار گیرد. تربیت سیاسی، شیوه‌هایی دارد که باید آن‌ها را شناخت و به کار گرفت. هرچند در زمان حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تعلیم و تربیت، مانند امروز رشته‌ای علمی نبود تا از روش‌های مشخصی در آن عصر سخن گوید؛ ولی امام علی علیه السلام که مریی و سیاست‌مداری نمونه است، از شیوه‌های گوناگون در تربیت استفاده کرده است. در حقیقت، بسیاری از روش‌های مطرح در تعلیم و تربیت امروزی، در سیره و گفتار امام علی علیه السلام وجود دارد که در ادامه به مهم‌ترین این روش‌ها، که از کلام آن حضرت در نهج‌البلاغه استنباط می‌شود، اشاره می‌شود:

۱. روش الگویی

ارایه الگویی عملی به متریان، از جهات مختلف در تربیت آنان مؤثر است. فراگیران در عمل رفتار الگو را مشاهده نموده و از آن پیروی می‌کنند. خداوند در حقیقت انبیا را در دوره‌های مختلف فرستاد تا مردم از رفتار آنان تبعیت نموده، آن‌ها را الگویی زندگی خود قرار دهند. به همین دلیل، خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اسوه حسنه و نمونه نیکو به مردم معرفی کرده است: «به راستی شما را در [خصلت‌ها و روش‌های] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نمونه و الگویی نیکو و پسندیده است» (احزاب، ۲۱). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تمام زندگی و ویژگی‌های مربوط به آن، نمونه است. الگو بودن آن حضرت، اختصاص به زمان و مکان خاصی نیز ندارد و برای همه انسان‌ها تا روز قیامت قابل استفاده است.

علی علیه السلام ضمن تأسی به رسول خدا صلی الله علیه و آله، او را بهترین نمونه و سرمشق زندگی برای دیگران معرفی می‌کند و می‌فرماید: «[ای مردم] به راه و رسم پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین راه و رسم‌هاست؛ رفتار خود را با روش او هماهنگ سازید که هدایت‌کننده‌ترین روش‌ها است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۰). آن حضرت هم‌چنین در تبعیت از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پس از رسیدن خلافت به من، به آنچه در قرآن کریم آمده عمل می‌کنم و هرچه پیامبر سنت نهاده، از آن پیروی می‌نمایم و به نظرات شما [طلحه و زبیر] احتیاجی ندارم» (همان، خطبه ۲۰۵). امام علی علیه السلام درباره الگو بودن خود برای کارگزاران هم سخن می‌گوید و خویشتن را پیشوایی معرفی می‌کند که باید در رفتارهای سیاسی او را الگو قرار داد و از روش‌های حکومتی‌اش پیروی نمود. در این زمینه خطاب به «عثمان بن حنیف» استاندار «بصره» چنین می‌فرماید: «آگاه باش! هر مأموم و پیروی، امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش‌اش بهره‌گیرد؛ بدان که امام و رهبر شما از دنیایش به همین دو جامه کهنه و دو قرص نان قناعت کرده است. آگاه باش! شما نمی‌توانید چنین باشید؛ اما مرا با ورع و تلاش و عفت و پاکی و پیمودن راه صحیح،

یاری دهید» (همان، نامه ۴۵).

از این نمونه‌ها در کلام علی علیه السلام فراوان است و نشان می‌دهند که آن حضرت، در تربیت مردم به خصوص کارگزاران، از آرایه الگو استفاده کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خویشترن را اسوه حسنه معرفی نموده است. یاران و کارگزاران ایشان نیز از این سیره مبارک پیروی نموده و به آن اقتدا می‌کردند. این امر، باعث شد که اصحاب علی علیه السلام، با پیروی از شیوه‌های رفتاری ایشان به مراتب بالایی از اخلاق و تربیت نایل آیند.

۲. روش پند و اندرز

شیوه پند و اندرز، از روش‌های عام در تعلیم و تربیت است که در کلام علی علیه السلام فراوان به کار رفته و در تربیت سیاسی کارگزاران از آن استفاده شده است. حضرت علی علیه السلام نصیحت و موعظه حسنه را از حقوقی به حساب می‌آورد که ملت بر ذمه پیشوای خود دارد. در نهج البلاغه آمده است: «ای مردم! بر عهده من و شما حقوق متقابلی است، از من بر شما و از شما بر من؛ اما حق شما بر من نصیحت و پند و اندرز و خیرخواهی است» (همان، خطبه ۳۴) و در جای دیگر، حضرت می‌فرماید: «همانا بر امام و زمام‌دار اسلامی چیزی جز آن‌چه از ناحیه پروردگار بر عهده او گذارده شده است، نیست و آن کوتاهی نکردن در موعظه و کوشیدن در نصیحت است» (همان، خطبه ۱۰۵). علی علیه السلام در مقام عمل نیز در تربیت عموم مردم، به خصوص کارگزاران از روش پند و اندرز کمک گرفته است. سخنان آن حضرت در نهج البلاغه، در زمینه‌های مختلفی چون: رعایت تقوا، بی‌توجهی به دنیا، توجه به نتایج اعمال، یاد مرگ و نظایر آن، دلیل روشنی بر به‌کارگیری شیوه پند و اندرز در هدایت مردم است. موعظ و نصایح آن حضرت، چنان بر اصحاب و یاران باوفایش تأثیر کرد که کارگزارانی چون «سلمان فارسی» و «مالک اشتر» را تربیت کرد. زمام‌داران صدیق علی علیه السلام، در واقع تمام اندیشه‌های دینی و سیاسی - اجتماعی خود را از آموزه‌های الهی آن امام فراگرفتند. آنان آن افکار و اندیشه‌ها را بدون ملاحظه به کار بستند و جز به اجرای حق و عدالت به چیزی فکر نکردند. از این جاست که امام ضمن نامه‌ای به مردم «شام»، آن‌ها را به تبعیت مطلق از «مالک» فراخوانده، درباره شخص او می‌فرماید: «به درستی که او شمشیری است از شمشیرهای خدا، که نه تیزی آن کند می‌شود و نه از جهیدن و ضربه زدن باز می‌ماند. اگر او به شما دستور داد که به جنگ بروید، حرکت کنید و اگر امر به قیام کرد، بلافاصله قیام کنید؛ چون او فقط از امر من اطاعت می‌کند» (همان، نامه ۳۸).

امروزه نیز می‌توان در تربیت سیاسی زمام‌داران، روش پند و اندرز را به کار برد و بهترین نتایج را به دست آورد. انسان ذاتاً نیاز به موعظه دارد و گرایش‌های فطری فرد، با وعظ و نصیحت شکوفا می‌شود. پند و اندرزی که از قلب پاک بیرون آید، بر دل نیز می‌نشیند. از سخنان حکیمانه امام علی علیه السلام است که: «قلب را با موعظه زنده کن» (همان، نامه ۳۱)؛ زیرا موعظه حسنه، دل‌های

غافل را بیدار می‌کند و با خدا آشنا می‌سازد.

۳. روش نظارت و مراقبت

تأثیر فراوان نظارت و مراقبت در تربیت و مهار رفتار، غیر قابل انکار است. نظارت از شیوه‌های مؤثر در تعلیم و تربیت، به خصوص تربیت سیاسی و اداره امور اجتماعی است که در اصلاح رفتار فرد، نقش مهمی دارد. طبیعی است اگر انسان بداند که عملکرد او مورد بازرسی قرار خواهد گرفت، در انجام کارها و به ویژه در امور اجتماعی، دقت بیش تری می‌کند؛ همان‌گونه که تجربه نشان می‌دهد کارگزاران حکومتی اگر تحت نظارت دقیق دستگاه‌های اطلاعاتی و قضایی قرار داشته باشند و بدانند که از کارکردهای آنان بازرسی به عمل می‌آید، کمتر دچار خطا یا تخلف می‌شوند. حضرت علی علیه السلام در دوره حکومت و خلافت خود، از روش نظارت و مراقبت به خوبی استفاده کرد و آن را در بهبود و اصلاح امور اجتماعی به کار گرفت. همان‌طور که سیره ایشان نشان می‌دهد، شخص آن حضرت، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم کاملاً بر عملکرد کارگزارانش نظارت داشت و در صورت مشاهده تخلف، به سرعت متخلف را مورد سرزنش قرار می‌داد و یا از کار برکنار می‌کرد. نامه عتاب‌آمیز امام به «عثمان بن حنیف» والی «بصره»، شاهد این امر است. در آن نامه، امام علیه السلام پس از حمد خدا و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خطاب به وی می‌فرماید: «ای پسر حنیف! به من گزارش رسیده است که مردی از جوانان بصره تو را به مهمانی خوانده است و تو شتابان به سوی او رفتی. خوردنی‌های نیکو برایت آوردند و پی در پی کاسه‌ها پیشات نهادند؛ گمان نمی‌کردم چنین مهمانی را بپذیری...» (همان، نامه ۴۵).

از این نامه بر می‌آید که علی علیه السلام به دقت اعمال و رفتار زمام‌دارانش نظارت داشته و از کارهای کلی و جزئی آنان با خبر بوده است. معلوم است که آن حضرت نیروهای مخفی ویژه‌ای را جهت گزارش از عملکرد کارگزاران به کار می‌گرفته و بر اساس گزارش‌های آنان عمل می‌کرده است؛ چرا که در این نامه واژه «بلغنی»؛ یعنی «به من گزارش رسیده است» به کار رفته است، آن حضرت نه تنها خود از این روش استفاده می‌کرد، بلکه کارگزاران ارشدش را نیز به استفاده از آن سفارش می‌نمود.

امام علیه السلام به «مالک اشتر» فرمان می‌دهد که «در کارهای کارگزاران ات و ارسی کن و افراد شایسته و دارای صداقت و وفا را بر رفتار آنان مراقب ساز؛ نظارت پنهان بر کار آنان، ایشان را به امانت‌داری و خوش رفتاری با مردم بر می‌انگیزد» (همان، نامه ۵۳).

اغلب عزل و نصب‌های کارگزاران آن حضرت بر اساس گزارش‌های دقیق و مورد اطمینانی بود که ایشان دریافت می‌کردند. قابل توجه است که علی علیه السلام بدون هیچ‌گونه ملاحظه سیاسی و خویشاوندی به این روش عمل می‌کرد. وقتی به امام گزارش دادند که یکی از پسرعموهایش در مورد اموال مردم بی‌دقتی کرده است، امام علیه السلام او را چنین تهدید کرد: «پس از خدا بیم دار و مال‌های این مردم را برگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم، کيفرت

دهم و با شمشیری تو را بزخم که کسی را بدان زده‌ام، جز آن‌که به آتش جهنم وارد شد» (همان، نامه ۴۱).

۴. روش تحسین و تشویق

یکی از شیوه‌های کارساز در تعلیم و تربیت امروز، تحسین و تشویق است که فرد را به ادامه کار علاقه‌مند می‌سازد. ساختار روانی و عاطفی انسان به گونه‌ای است که اگر مورد تأیید و تشویق قرار گیرد، انگیزه فعالیت بیش‌تری پیدا می‌کند. از این رو، تشویق و پاداش، در اصلاح یا تثبیت رفتار بسیار مؤثر است و کارشناسان تربیتی بر استفاده از این روش در تربیت افراد تأکید فراوان دارند.

سیره امام علی علیه السلام در تربیت و هدایت مردم، به کارگیری شیوه تشویق و تحسین را نشان می‌دهد. کلام آن حضرت در نهج‌البلاغه، در زمینه‌های مختلف گویای این امر است. امام به «مالک» دستور می‌دهد: «مبادا نیکوکار و بدکار در نزدت یکسان باشند، چه، برابر بودن آنان، نیکوکار را در انجام کار نیک، کم انگیزه می‌کند و بدکار را به بدی جری می‌سازد» (همان، ۵۳). در فراز دیگر از فرمان امام به «مالک» آمده است: «آنان [کارگزاران] را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویق نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند بر شمار؛ که یادآوری کارهای نیک، آنان را به هیجان می‌آورد و افراد وامانده را به خواست خدا به کار تشویق می‌کند» (همان).

علی علیه السلام خود نیز یاران و اصحابش را با توصیف و تعریف و عبارات حماسی تشویق می‌کرد و در آنان ایجاد انگیزه می‌نمود؛ چنان‌که خطاب به ایشان می‌فرماید: «شما باید یاران حق و برادران دینی و ایمانی که در روز جنگ و سختی چون سپر نگهبان حق هستید؛ پس مرا با نصیحتی که خالی از فریب و نیرنگ و دورویی است، یاری کنید» (همان، خطبه ۱۱۸).

نمونه‌های این نوع تشویق و ترغیب یاران و کارگزاران علی علیه السلام در نهج‌البلاغه فراوان است و از مجموع آن‌ها برمی‌آید که روش تشویق و تحسین مورد توجه آن حضرت بوده و ایشان در تربیت افراد، آن را به کار گرفته است. تشویق اگر درست اجرا شود، در تربیت و اصلاح رفتار فرد نقش مهمی دارد؛ به خصوص در زمینه تربیت سیاسی و قدردانی از کارگزاران پرتلاش و مخلص.

ویژگی‌های کارگزاران در کلام امام علی علیه السلام

کلام و سخنان علی علیه السلام درباره زمام‌داران، حاوی خصوصیات برای کارگزاران است که قابل توجه است و هر کدام نشان دهنده مفهوم خاصی از ارزش‌های اسلامی است. اگر کارگزاران دارای چنین ویژگی‌هایی باشند، مطمئناً در راه خدا و پیشرفت اسلام قدم خواهند داشت. اوصاف مدیران و زمام‌داران شایسته در گفتار امام علی علیه السلام بسیار آمده است که در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. خدا محوری

بر اساس اندیشه‌های سیاسی و تربیتی علی علیه السلام، کارگزاران نظام اسلامی باید قبل از هر چیز خدا محور باشند؛ یعنی در اداره جامعه و امور اجتماعی، خدا را در نظر بگیرند. قدرت و سیاست بیش از هر چیز، غرور آفرین است و سیاست‌مداران بیش از دیگران در معرض خیانت و خطا قرار دارند. یاد خدا و توجه به او، انسان را از سقوط در دام گناه باز می‌دارد. به همین جهت، علی علیه السلام ضمن نامه به «مالک»، او را به یاری دین خدا چنین فرمان می‌دهد: «خدای سبحان را با قلب و دست و زبان‌ات یاری کن؛ زیرا خدای بزرگ یاری کسی را که دین‌اش را یاری کند و عزیز داشتن کسی را که او را عزیز بدارد، تضمین کرده است» (همان، نامه ۵۳).

محور قرار دادن خدا در کارها، آثار تربیتی بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. حاضر دانستن خدا در تمام صحنه‌ها و شرایط زندگی، به خصوص در کارهای سیاسی - اجتماعی، موجب نگهداری انسان از خطا و لغزش می‌شود. اخلاص در عمل، دوری از گناه و قرب به خدا، از آثار توجه به خدا و اعتقاد به حضور او در آشکار و نهان است. خدا محوری، گذشته از آثار تربیتی که برای خود شخص دارد، محبت او را در دل‌های دیگران نیز قرار داده، رابطه‌اش را با آنان اصلاح می‌کند. حضرت علی علیه السلام به این معنا چنین اشاره می‌کند: «هر که رابطه خود را با خدا درست کند، خداوند رابطه او را با دیگران درست می‌کند» (همان، قصار ۸۹).

۲. حق مداری

از دیگر ویژگی‌های کارگزاران حکومتی در کلام و سیره امام علی علیه السلام، حق مداری است. زمام‌داران در هر شرایطی باید مجری حق و عدالت در جامعه باشند و هیچ‌گاه حق را نادیده نگیرند. سیره علی علیه السلام نشان می‌دهد که آن حضرت ضمن اجرای دقیق و کامل حق و رعایت حقوق دیگران، کارگزاران را هم به رعایت آن فرمان می‌داد. آن حضرت به «مالک» می‌فرماید: «از میان خواص فردی را به خود نزدیک‌تر کن که در حق‌گویی، صراحت لهجه داشته باشد؛ هر چند گفتار حق برای تو تلخ آید» (همان، نامه ۵۳). هم‌چنین آن حضرت در مورد اهمیت رعایت حق از طرف والی و رعیت می‌گوید: «هر گاه رعیت، حق والی و والی حق رعیت را ادا کند، حق در بین آن‌ها عزیز و قواعد دین پایدار و روزگار اصلاح می‌شود» (همان، خطبه ۲۱۶) و در زمینه اجرای حق چنین می‌فرماید: «حق را برای هر کس که باشد از نزدیکان و بیگانگان اجرا کن و در انجام آن بردبار و شکیب‌باش، هر چند اجرای حق درباره خویشان و خواص، مطابق میل نباشد» (همان، نامه ۵۳). نمونه‌های فراوانی در سیره و رفتار امام علی علیه السلام وجود دارد که حضرت سفارش نموده‌اند حق را باید اجرا کرد. در حقیقت، حق‌مداری از ویژگی‌های بارز زمام‌دار مسلمان است. کارگزاران نظام اسلامی باید عامل به حق و مجری آن در میان جامعه باشند. در اجرای حق باید جدی و قاطع بود، به گونه‌ای که در مورد محبوب‌ترین افراد هم باید اجرا شود. کارگزاران صدیق و مخلص امام

علی علیه السلام، از این ویژگی برخوردار بودند و تا آخرین روزهای حکومت، بر آن ثابت قدم ماندند و از اجرای حق در هر شرایطی حمایت کردند.

۳. عدالت خواهی

یکی از اوصاف بارز کارگزاران در سیره و گفتار امام علی علیه السلام، عدالت خواهی و عدل پروری است. همان‌گونه که سراسر زندگی آن حضرت، عدالت خواهی و پشتیبانی از اجرای عدالت اجتماعی در جامعه را نشان می‌دهد، کلام او نیز توصیه به رعایت حق و اجرای عدالت است. علی علیه السلام به یکی از کارگزاران خود چنین فرمان می‌دهد: «ای مالک! انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک سو و خود و نزدیکان و هر کس که هوای او را در سرداری از سوی دیگر، مراعات کن» (همان). بر اساس این فرمان، مبارزه با بی‌عدالتی و تبعیض، از وظایف زمام‌داران است. امام در کلام دیگر به «مالک» می‌فرماید: «نیکوترین چیزی که می‌تواند هم مردم را نسبت به حاکمان راضی کند و هم حاکمان را خشنود سازد، بر پا داشتن عدالت و دادگری در شهرهاست» (همان). اجرای عدالت در میان مردم و رعایت حقوق آنان، ملت را علاقه‌مند و طرفدار حکومت می‌کند و در این صورت، حکمرانان هم به خوبی می‌توانند به اداره جامعه بپردازند. در جای دیگر آمده است: «ای مالک! بهترین امور در نزد تو باید میانه‌ترین آن‌ها در حق و فراگیرترین آن‌ها در عدالت باشد» (همان).

از این‌گونه فرمان‌های حکومتی امام علی علیه السلام، بر می‌آید که کارگزار نظام اسلامی باید ظلم ستیز و عدالت خواه و مجری عدالت باشد. اگر کارگزاران نظام اسلامی واقعاً از این ویژگی برخوردار باشند، به دولت کریمه‌ای که وعده داده شده است، نزدیک خواهیم شد. امروزه بیش از هر زمان دیگر ضرورت تربیت کارگزارانی که این خصلت‌ها را دارا باشند، احساس می‌شود. وجود چنین نیروهایی موجب پیشرفت کشور و جامعه می‌شود. مسئولین مؤمن و کاردان، می‌توانند مشکلات جامعه را از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حل کنند.

۴. کمک کار و همدل فقیران و نیازمندان

فقر و کمبود امکانات زندگی، دامن‌گیر بسیاری از مردم به خصوص طبقه محروم جامعه است. تأمین نیازهای زندگی طبقه محروم، بر عهده دولت است. اگر کارمندان و مدیران جامعه از ویژگی حمایت از محرومین برخوردار باشند، مشکلات این طبقه زودتر حل می‌شود. کمک به فقرا و نیازمندان و تلاش در جهت فقرزدایی، از صفات برجسته رهبران سیاسی و دینی است. امام علی علیه السلام قبل از هر کس، خود حامی نیازمندان بود و به آن‌ها یاری می‌رساند. عملکرد آن حضرت در دوران خلافت و قبل از آن، نمونه مناسبی از کمک رسانی به محتاجان و محرومان است. علی علیه السلام هم خود یار و مددکار فقرا بود و هم این کار را به کارگزاران‌اش توصیه می‌کرد. آن حضرت به «مالک» فرمود: «ای مالک! درباره مردم فرودست که چاره‌ای ندارند و در فقر و

تنگ‌دستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن. آن‌ها عبارت‌اند از بینوایان، نیازمندان، گرفتاران و زمین‌گیر شدگان؛ آن‌چه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی در هر شهر را در نظر بگیر» (همان). این فرمان امام، نشان دهنده اهمیت و ضرورت توجه حکومت به طبقه محروم جامعه است. اگر کارگزاران در این زمینه احساس مسئولیت کنند و خود از رنج نیازمندان باخبر باشند، برای حل مشکلات آن‌ها اقدام فوری می‌کنند؛ اما اگر زمام‌داران حکومت در برابر ناله بینوایان بی‌توجه بوده و به وظیفه خود عمل نکنند، طبقه محروم نیازمندتر خواهد شد.

فقر اقتصادی عامل بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی، فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است. چه بسا افراد نیازمند که در اثر تنگدستی، راهی برای برآوردن نیازهای ضروری زندگی خانواده ندارند و دست به کارهای خلاف می‌زنند. اگر مشکل فقر از جامعه ریشه کن شود یا به حداقل برسد، امنیت در جامعه گسترش می‌یابد و بسیاری از فسادهای اخلاقی و رفتاری از بین می‌رود. پس فقرزدایی و حمایت از طبقه محروم، از اوصاف بارز کارگزاران است و حضرت علی علیه السلام بر آن تأکید فراوان دارد. خوب است که کارگزاران حکومت اسلامی از سیره و کلام حضرت در این زمینه پیروی نمایند.

۵. امانت‌داری

بر اساس اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام، امانت‌داری از ویژگی‌های برجسته کارگزاران حکومتی است. هر چه در اختیار آنان قرار می‌گیرد، اعم از منصب و دارایی، مربوط به عموم ملت است و تا مدتی نزد آن‌ها امانت است. از این رو، هر کارگزار دولت وظیفه دارد امانت‌های مردم را به خوبی حفظ نموده و در جهت منافع مادی و معنوی آن‌ها از آن استفاده نماید؛ چنان که علی علیه السلام در این باره، یکی از زمام‌داران را چنین مورد سرزنش قرار می‌دهد: «ای اشعث! [مقام فرمان‌روایی به منزله خوراک برای تو نیست که هر چه از این طریق به تو رسید مال شخصی خود قرار دهی؛ بلکه امانتی است در اختیار تو که باید از آن مواظبت کنی و قدمی بر خلاف دستورات دینی بر نداری (همان، نامه ۵۳)].

امین بودن کارگزار بسیار مهم است و باید در انتخاب افراد دقت شود. امانت‌داری باید یکی از شرط‌های گزینش کارمندان باشد. علی علیه السلام در این زمینه به «مالک» دستور می‌دهد: «ای مالک! کارگزاران را امتحان کن و هر که را نزد عموم مردم خوش‌نام و معروف به امانت‌داری بود برای انجام کار و اداره امور اجتماعی انتخاب کن» (همان، نامه ۵۳). نامه عتاب‌آمیز علی علیه السلام به یکی دیگر از زمام‌دارانش که مرتکب خیانت شده بود، حساسیت آن حضرت را در مورد امانت‌داری و حفظ بیت‌المال نشان می‌دهد. ایشان به «زیاد بن ابیه» می‌نویسد: «از روی راستی و درستی، به خدا سوگند یاد می‌کنم، اگر به من خبر برسد که تو در بیت‌المال مسلمین به کم و یا زیاد خیانت

کرده و بر خلاف دستور صرف نموده باشی، چنان بر تو سخت گیرم که خوار و ذلیل شوی (همان، نامه ۲۰). هم‌چنین علی علیه السلام، خیانت به بیت‌المال را بزرگ‌ترین خیانت می‌داند: «به راستی بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به امت اسلامی و امور مربوط به آنان است» (همان، نامه ۲۶). از نظر علی علیه السلام، امانت‌داری از ویژگی‌های برجسته کارگزاران حکومتی است که باید مورد توجه زمام‌داران قرار گیرد. سیره و کلام آن حضرت، به‌خوبی اهمیت این ویژگی را نشان می‌دهد. ویژگی‌های دیگری هم در کلام علی علیه السلام برای زمام‌داران و کارگزاران وجود دارد که نمی‌توان به همه آن‌ها پرداخت و به همین اندازه اکتفا می‌شود. هر یک از ویژگی‌هایی که گفته شد، مورد عنایت خاص امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و در صورت رعایت نکردن کارگزاران، حضرت بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای آن‌ها را مجازات می‌کرد و احياناً از کار برکنار می‌نمود. تربیت سیاسی کارگزاران باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شود که اوصاف نیکویی چون خدا‌باوری و حق‌مداری و امانت‌داری در آنان ایجاد شود. اگر این خصلت‌ها در کارگزاران به وجود آید، به لحاظ تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آثار فراوانی در جامعه خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله تربیت سیاسی، که بخش مهمی از تربیت است، از نظر سیره و کلام امام علی علیه السلام بررسی شد و معلوم شد که ضرورت ایجاد می‌کند در شرایط کنونی با برنامه‌ریزی هر چه دقیق‌تر، فرآیند تربیت سیاسی به منظور پرورش نیروهای کارآمد اجرا شود. با انجام تربیت سیاسی به صورت فراگیر، می‌توان شهروندان و وظیفه‌شناس و مسئول در برابر امور دینی و اجتماعی پرورش داد؛ طوری که در شرایط حساس مانند تجاوزات دشمنان خارجی یا نوطه‌های داخلی، خود به یاری نظام برخاسته و از آن دفاع کنند. مهم‌ترین عامل در ایجاد این انگیزه قوی، دین و ارزش‌های دینی است.

هدف از تربیت سیاسی بر اساس سیره علی علیه السلام، پرورش کارگزارانی با فرهنگ اسلامی است، به گونه‌ای که در اجرای قوانین و اداره جامعه، همواره خدا را در نظر داشته باشند و بر محور حق عمل نمایند.

در نظام اسلامی، باید کسی به مقام اجرایی برگزیده شود که دارای روحیه عدالت‌خواهی، امانت‌داری و فقر‌ستیزی باشد. این‌گونه حاکمان، شاید بتوانند اهداف اسلامی را در سایه حکومت و زمام‌داری محقق سازند. علی علیه السلام روش‌های مختلفی را در تربیت چنین کارگزارانی به کار گرفته است. فرمان‌های آن حضرت به کارگزاران ارشد حکومتی که خود رهبری آن را به عهده داشته، مشتمل بر شیوه‌های گوناگون تربیت افراد بوده است که به برخی از آن‌ها در این نوشتار اشاره شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، تحقیق: ابراهیم ابراهیم (۴۸۵ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. موسوی خمینی (امام)، سیدروح الله: صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.
۵. بحرانی، حسن (۱۴۱۷ق): تحف العقول، مؤسسه نشر اسلامی.
۶. پهلوان، چنگیز (۱۳۶۶): اندیشه های سیاسی، بی جا.
۷. جرداق، جرج: شگفتی های نهج البلاغه، ترجمه: فخرالدین حجازی (بی تا)، انتشارات بعث.
۸. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹): حکمت اصول سیاسی اسلام، قم، بنیاد نهج البلاغه.
۹. جمالی، حسین (۱۳۷۸)، مبانی علم سیاست، انتشارات سپاه.
۱۰. حسینی، سعید (۱۳۶۷): تربیت سیاسی اسلام، تهران، امیرکبیر.
۱۱. رامپوری، غیاث الدین محمد: غیاث اللغات، به کوشش: منصور ثروت (۱۳۶۳)، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷): دولت آفتاب، تهران، انتشارات خانه اندیشه جوان.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی (بی تا): مبانی اندیشه سیاسی اسلام، مؤسسه فرهنگی نشر.
۱۴. فرهنگ علوم سیاسی، مرکز مطالعات و مراکز علمی ایران، ۱۳۷۴.
۱۵. قوچانی، محمود (۱۳۷۴): فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۶. لغت نامه دهخدا.
۱۷. مجله تربیت، ماهنامه پرورشی آموزش و پرورش، سال ۸، شماره ۳ و سال ۱۳۷۷، شماره ۴.
۱۸. معین، محمد (۱۳۶۳): فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.